



۱۳۷۹ / ۱۱ / ۲۰

## دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

رشته: حقوق بین‌الملل

موضوع:

اعتبار معاهده ۱۹۷۵ بغداد

۱۹۷۱۷

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر جمال سیفی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر امیر ارجمند

نگارش:

محمد علی خادمی جهرمی

سال تحصیلی ۷۷-۷۸

۳۲۳۹۹

تقدیم به روح بلند امام (طاب ثراه) معلم بزرگ دین شناسی نوین

۳۲۳۶۹

تقویم به استاد عزیز و ارجمند جناب آقای دکتر سید جمال سیفی که  
راهنمایی‌های ایشان همواره روشنائی بخش طریق تحقیق و بررسی در این  
رساله بوده است.

تقدیم به استاد عزیز و گرامی جناب آقای دکتر امیر ارجمند که صمیمانه  
اینجانب را راهنمایی های بسیار نمودند.

و تقدیم به استاد عزیز و ارجمند جناب آقای دکتر قنبری که بدون  
توصیه‌های عمیق و دقیق ایشان این رساله بدین شکل فراهم نمیشد.

و تقدیم به همه کسانی که در مسیر تنظیم و نگارش این رساله همواره مرا  
راهنمایی نمودند.

## فهرست کلی عناوین و مطالب

<b>صفحه</b>	<b>عنوان</b>
	<b>مقدمه</b>
۱	فصل اول : معاهده ۱۹۷۵ زمینه انعقاد و لغو آن
۴۵-۳	بخش اول : معاهده ۱۹۱۳ بعنوان زمینه انعقاد معاهده ۱۹۷۵
۶	بخش دوم : زمینه انعقاد معاهده ۱۹۷۵ بغداد
۱۱	بخش سوم : نگاهی به مفاد معاهده ۱۹۷۵ و پروتکل‌های همراه
۳۰	قسمت اول : عهدنامه مربوط به دوستی و حسن همجواری بین ایران و عراق
۳۲	قسمت دوم : پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه‌ای بین ایران و عراق
۳۳	قسمت سوم : پروتکل راجع به علامتگذاری مجدد مرز زمینی بین ایران و عراق
۳۳	قسمت چهارم : پروتکل مربوط به امنیت در مرز بین ایران و عراق
۳۳	قسمت پنجم : موافقتنامه بین ایران و عراق راجع به کشتیرانی در شط‌العرب
۳۵	قسمت ششم : اجرای معاهده ۱۹۷۵ و پروتکل‌های همراه آن
۳۹	بخش چهارم : اعلام لغو معاهده ۱۹۷۵ توسط بغداد و دلائل عراق
۷۰-۴۶	فصل دوم : تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده ۱۹۷۵ بغداد
۴۸	بخش اول : اظهارات مقامات عراقی در خصوص تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده
۵۰	بخش دوم : اصل ربوس ( <i>REBUS SIC STANTIBUS</i> ) چیست؟
۵۷	بخش سوم : ربوس در رویه قضائی
۶۱	بخش چهارم : قاعده ربوس در حقوق موضوعه
۶۵	بخش پنجم : ارزش حقوقی استناد عراق به اصل ربوس
۹۹-۷۱	فصل سوم : نقض مقررات معاهده بغداد
۷۳	بخش اول : ادعای نقض ماده ۱ و پروتکل مربوطه در خصوص واگذاری اراضی متعلق به عراق
۷۳	قسمت اول : مفاد ماده یک و پروتکل پیوست آن
۷۴	قسمت دوم : اظهارات مقامات عراقی در باب تخلف ایران
۷۴	قسمت سوم : پاسخ مقامات ایرانی

۷۷	بخش دوم : ادعای نقض ماده ۳ معاهده پروتکل مربوطه در خصوص امنیت مرزها
۷۸	قسمت اول : مفاد ماده ۳ عهدنامه پروتکل مربوط به امنیت در سرزمین ایران و عراق
۸۰	قسمت دوم : اظهارات مقامات عراقی در خصوص نقض عهدنامه و پروتکل مزبور
۸۱	قسمت سوم : پاسخ به اظهارات مقامات عراقی
۸۵	بخش سوم : لغومعاهده توسط یکی از طرفین به دلیل نقض معاهده توسط طرف دیگر از دیدگاه حقوق بین الملل
۸۵	قسمت اول : اصل وفای به عهد ( <i>pacta - sunt servanda</i> )
۸۶	قسمت دوم : لغو معاهده
۱۱۷-۱۰۰	فصل چهارم : استناد عراق به ماده ۴ عهدنامه
۱۲۵-۱۸۸	فصل پنجم : ادعای تحمیل عهدنامه به عراق
۱۲۰	بخش اول : گفته‌های دولتمردان عراقی پس از انعقاد معاهده ۱۹۷۵
۱۲۲	بخش دوم : دیدگاه‌های حقوقی در خصوص تأثیر اجبار در اعتبار معاهده
۱۳۹-۱۲۶	فصل ششم : اثر جنگ ایران و عراق بر معاهده ۱۹۷۵ بغداد
۱۲۸	بخش اول : مفهوم جنگ
۱۳۰	بخش دوم : اثر جنگ بر اعتبار معاهدات از دیدگاه حقوقدانان
۱۴۹-۱۴۰	فصل هفتم : مؤیدات اعتبار معاهده ۱۹۷۵ بغداد
۱۵۲-۱۵۰	نتیجه گیری و خاتمه
۱۵۳	فهرست منابع فارسی - کتب
۱۵۶	مقالات
۱۵۶	فهرست و منابع انگلیسی - کتب
۱۵۶	سالنامه‌های انگلیسی



## مقدمه

در این رساله، اعتبار معاهده ۱۹۷۵ بغداد که برخی به غلط آنرا معاهده الجزایر نامیده‌اند از دیدگاه حقوق بین‌الملل مورد بحث قرار خواهد گرفت. مقصود اصلی این است که آیا معاهده مذکور با وجود بروز جنگ و ادعاهای دولت عراق مبنی بر بی‌اعتباری آن معاهده به دلائلی چون تغییر اوضاع و احوال و نقض آن معاهده توسط ایران و غیره همچنان معتبر است یا خیر؟

معاهده ۱۹۷۵ که آخرین معاهده ایران با همسایه غربی خویش می‌باشد دقیق‌ترین و جامع‌ترین معاهدات مذکور نیز می‌باشد. بحث از اعتبار یا بی‌اعتباری آن معاهده از اوائل انقلاب آغاز گشت. بحث از این موضوع به محافل بین‌المللی نیز کشیده شد و اکنون نیز این بحث از موضوعات با اهمیتی است که در روابط فی‌مابین عراق و ایران تأثیر فراوان دارد اگرچه دو کشور به دلائلی بحث در این موضوع را مسکوت گذاشته‌اند اما این امر از ضرورت‌های علمی بحث از این موضوع کم نمی‌کند مضاف بر اینکه طرح مسأله برخورد‌های متنوع و گوناگون عراق با این معاهده در گفتار و کردار و بروز حوادثی چون جنگ و ادعای اولیه عراق مبنی بر بی‌اعتباری آن معاهده زنده بودن این بحث و ضرورت پرداختن به آن به نحوی جامع را نشان می‌دهد.

اهمیت این بحث و ضرورت پرداختن به آن زمانی نمایان‌تر می‌شود که فرض شود اگر این معاهده از اعتبار ساقط شود روابط دو کشور عراق و ایران دچار بلا تکلیفی بسیار جدی از ناحیه تعیین حدود مرزی در خشکی و آبراه اروند رود خواهد شد و مجادلات تاریخی که به نظر می‌رسید با انعقاد این معاهده خاتمه یافته دوباره از سر گرفته می‌شود.

فرضیه ابتدائی ما در خصوص موضوع مورد بحث تأکید بر اعتبار معاهده بغداد است. زیرا به نظر می‌رسد معاهده مذکور بعنوان معاهده‌ای مرزی از هیچیک از عوامل مخدوش‌کننده تأثیر نپذیرفته و کماکان معتبر و قابل استناد است.

روشی که در این بررسی پیش گرفته شده تحقیق کتابخانه‌ای بوده است و معیار اصلی در

بررسی‌ها و نتیجه‌گیری‌ها معیارها و اصول حقوق بین‌الملل عمومی بوده است.

در فصل‌اتی ~~مطالبت~~ مطالب درخیز به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- ۱- معاهده ۱۹۷۵ زمینه انعقاد و لغو آن.
- ۲- اثر تغییر اوضاع و احوال (اصل ریوس سیک استانتی بوس) در اعتبار معاهده ۱۹۷۵.
- ۳- تأثیر نقض معاهده مزبور توسط یکی از طرفین بر اعتبار آن.
- ۴- اعتبار ادعای عراق مبنی بر اینکه چون مطابق ماده ۴ عهدنامه بغداد و مقررات ۳ پروتکل مربوطه جزء لاینجزای معاهده بغداد بوده و نقض هر یک از آنها مغایر روح توافق الجزایر اعلام شده است لذا نقض یکی از آنها به معنای بی‌اعتباری کل معاهده است.
- ۵- تأثیر تحمیل عهدنامه بغداد به عراق.
- ۶- اثر جنگ ایران و عراق بر اعتبار معاهده بغداد.
- ۷- مؤیدات اعتبار معاهده ۱۹۷۵ بغداد.

## فصل اول

### معاهده ۱۹۷۵ زمینہ انعقاد و لغو آن

اقدام عراق به الغای معاهده ۱۹۷۵ در یک فرایند کاملاً پیچیده‌ای از عوامل سیاسی، تاریخی، حقوقی صورت گرفته است که بررسی و ارزیابی آن بدون توجه به عوامل مزبور ناتمام و سطحی خواهد بود.

انعقاد معاهده ۱۹۳۷ بین ایران و عراق به منازعات و اختلافات دو کشور خاتمه نداد. آنچه مسلم است آن است که ایران در این معاهده نتوانست منافی را کسب نماید و مفاد آن معاهده کاملاً برخلاف اهداف آن کشور بود ولی جالب است که بدانیم کشوری که از این معاهده اظهار عدم رضایت نموده و در اجرای آن کارشکنی می نمود غالباً عراق بود. درک این موضع‌گیری‌های عراق قطعاً به مسائلی باز می‌گشت که تنها به معاهده و تفسیر آن مربوطه نمی‌شد. از جمله عوامل مؤثر در این امر عدم ثبات در آن کشور بود. زیرا عراق در فاصله انعقاد معاهده ۱۹۳۷ تا زمان اعلام بی‌اعتباری آن توسط ایران شاهد تغییرات متعدد در حکومت و سران حکومتی خود آنها در قالبهای بسیار خشن و خونبار بوده است.

علاوه بر این روابط دو کشور ایران و عراق نیز همواره از پیچیدگی‌های فراوانی برخوردار بوده و عوامل عدم ثبات در آن متعدد بوده است. مسائل مرزی در خشکی و رودخانه تنها یکی از عوامل تنش تلقی می‌گردد. روابط ایران با اقلیتهای کرد شمال عراق نیز همواره یک عنصر اساسی منازعه در روابط دو کشور بوده است. این مسائل در تکوین معاهده دو کشور تأثیر گذاشته و بدین جهت است که معاهده ۱۹۷۵ یک معاهده دو ماهیتی است، از یک طرف یک معاهده سیاسی و از طرف دیگر یک معاهده مرزی است. این امر باعث بروز دو ویژگی کاملاً متفاوت در ذات معاهده گشته است. زیرا از جنبه سیاسی چون تنظیم‌کننده روابط حسن همجواری است انعطاف‌پذیر می‌باشد و از آن جهت که در بیان مسائل مرزی به جنبه‌های عینی و خارجی توجه دارد کاملاً متصلب و غیر قابل انعطاف است.

ما در جای خود به اثرات و تبعات این ماهیت دوگانه در معاهده ۱۹۷۵ بغداد خواهیم پرداخت. اما در ابتدا باید به اجمال نظری به مفاد معاهده ۱۹۳۷ و مشکلاتی که متعاقب انعقاد آن بروز کرد انداخت و سپس تحولات روابط دو کشور را از جهتی که منجر به الغای معاهده ۱۹۳۷ توسط ایران گردید مورد توجه قرار داد و نهایتاً انعقاد معاهده ۱۹۷۵ تا اعلام بی اعتباری آن توسط عراق را مطالعه نمود.

## بخش اول:

### معاهده ۱۹۳۷

معاهده مزبور به همراه یک پروتکل که جزء لاینجزای آن تلقی شده همزمان در ۱۳ تیرماه ۱۳۱۶ هجری شمسی در تهران توسط عنایت‌الله سمیعی وزیر امور خارجه ایران به نمایندگی از شاه ایران و دکتر ناجی الاصلیل وزیر امور خارجه عراق و نماینده شاه عراق به امضاء رسید.<sup>(۱)</sup> عهدنامه مزبور و پروتکل ضمیمه آن هر یک ۵ ماده دارند.<sup>(۲)</sup>

در ماده یک عهدنامه، اعتبار پروتکل ۱۹۱۳ استانبول و صورتجلسات کمیسیون تحدید حدود ۱۹۱۴ به استثنای بخشی که مطابق ماده ۲ آن عهدنامه تغییر نموده، به رسمیت شناخته شده بود. مطابق ماده ۲، «خط سرحدی به جلوترین نقطه جزیره شطیط رسیده و به طور عمود از حد آبهای جزری به خط تالوگ شطالعرب ملحق می‌شود و تا نقطه واقع در مقابل اسکله فعلی نمره یک آبادان آنرا تعقیب می‌کند».

ماده ۳ به تشکیل کمیسیونی جهت نصب علائم مرزی پرداخته و ماده ۴ حق استفاده متساوی کلیه کشورها در شطالعرب جهت کشتیرانی تجاری را به رسمیت شناخته است. اضافه بر این عبور ناوهای جنگی طرفین را نیز بلامانع شمرده شده است. و در آخرین بند با اشاره به تغییرات جریان آب در فصول مختلف خط مرزی را گاه آبهای جزری خط تالوگ و گاه وسط المیاه دانسته و اعلام می‌کند که این امر به هیچ وجه به حق استفاده طرفین از تمام مجرای شطالعرب صدمه وارد نمی‌کند.

ماده ۵ بیان می‌دارد که: با توجه به منافع مشترک دو کشور جهت کشتیرانی در شطالعرب باید قراردادی منعقد نمایند تا مسائل مربوط به نگهداری، بهبودی راه کشتیرانی و حفاری و راهنمایی

۱- اداره اول سیاسی وزارت امور خارجه. اطلاعاتی در باره عراق ص ۱۶۶.

۲- جهت اطلاع از مفاد دقیق این معاهده و پروتکل ضمیمه آن به بخش ضمائم این رساله مراجعه شود.

و عوارض و منع قاچاق و بحریمایی در شط العرب را انتظام بخشد.  
در پروتکل مسائلی به شرح ذیل مورد توجه واقع شده است.  
مواد یک و دو به شیوه تشکیل کمیسیون مذکور در ماده ۲ عهدنامه و نیز مهلت قانونی جهت انعقاد قرارداد موضوع ماده ۵ پرداخته‌اند.

ماده ۳ مسأله ورود ناوهای جنگی دول ثالث به اجازه یکی از طرفین به شرط اعلام به طرف دیگر را مورد بحث قرار داده است و ماده ۴ حقوق و وظایف عراق به موجب عهدنامه ۳۰ ژوئن ۱۹۳۰ و فقره هفتم پروتکل ضمیمه آن مورخ به همان تاریخ در مقابل دولت انگلیس را کماکان به شرط رعایت حقوق ایران معتبر شمرده است.

و ماده ۵ ارتباط لایتجزای این پروتکل و معاهده مربوطه را یادآور می‌شود.  
عراق پس از انعقاد این معاهده به انتحای مختلف به امتیازات اعطا شده به آن کشور رضایت نداد و هر بار بخشی از معاهده را زیر پا گذاشته و آنرا نقض نمود. در ذیل به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

۱- از جمله این موارد نقض آزادی کشتیرانی در اروندرود با پرچم ایران بود.  
در معاهده ۱۹۳۷ هیچ نامی از پرچم قابل استفاده توسط کشتی برده نشده بود از این رو رویه بدین منوال بود که کشتی‌های ایرانی با پرچم خود در اروندرود رفت و آمد می‌کردند. و کشتی‌هایی که به مقصد ایران در حرکت بودند نیز پرچم ایران را برمی‌افراشتند، اما عراق از آنجا که اروندرود را در قلمرو حاکمیت خود می‌دانست با این امر مخالفت می‌ورزید و اصرار داشت که کشتی‌های ایرانی باید پرچم عراق را برافراشته نمایند. به دنبال عدم تبعیت ایران در ۲۶ فروردین ماه ۱۳۴۸ (۱۵ آوریل ۱۹۶۹) معاون وزارت خارجه عراق سفیر ایران در بغداد را احضار نمود و گفت: